

CASE NO. A11

FULL TRIBUNAL

AWARD NO. 597-A11-FT

THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN,

Claimant,

AND

THE UNITED STATES OF AMERICA,

Respondent.

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	13 APR 2000
	۱۳۷۹ / ۱ / ۲۵ تاریخ

CORRECTION TO CONCURRING AND DISSENTING OPINION OF BENGT BROMS

The following corrections are hereby made to my Concurring and Dissenting Opinion signed and filed on 7 April 2000 :

1. Page 10, paragraph 17, line 8 which read as: "[...] the New York Supreme Court did not have jurisdiction" should read as: "[...] the New York Supreme Court had jurisdiction".

2. The title of the Opinion in the Persian version should read as:

"نظر موافق و مخالف بنگت برومس"

3. Copies of the corrected pages are attached.

Bengt Broms
Bengt/Broms

would consider them on their merits. A good faith implementation of this international obligation should not entail that a case will be rejected applying forum non conveniens. Even if this happens, it would be reasonable to assume that Iran could take the claim to another court. The fact that the Parties had expressly mentioned the act of state doctrine and the sovereign immunity in paragraph 14 of the General Declaration did not mean that Iran's claims would not necessarily be adjudicated on the merits. Those defenses were only listed as examples of situations where the Claimant in its litigation attempts could rightly expect assistance from the Respondent.

17. In my opinion, the dismissal on grounds of the forum non conveniens doctrine constituted a violation of Point IV in as much as the cases were not referred to another United States court. In order for the forum non conveniens doctrine to become applicable it is required that the court must first have obtained jurisdiction over the parties. A necessary corollary of this is that it cannot be disputed that New York Supreme Court had jurisdiction over the former Shah. Also, at the time the Shah underwent hospital treatment in New York, that city was the only domicile of the Shah, because Mexico, where he had resided, informed the United States authorities that it will not grant an entry visa for the former Shah.

18. There was a clear obligation to provide Iran access to United States courts. This access could not be blocked by the interpretation of the United States courts of the forum non conveniens doctrine. The way in which the doctrine was applied resulted in a de facto dismissal of the cases Iran tried to litigate, because the cases were not directed to a perhaps more convenient forum, although that is the raison d'être of the doctrine of forum non conveniens. This meant that the New York courts gave the doctrine a new interpretation, compared

برای تعقیب دعاوی حقا می‌توانست انتظار مساعدت از خواننده داشته باشد.

۱۷- به عقیده من، رد دعاوی با استناد به دکتترین نامناسب بودن مرجع رسیدگی در مواردی که پرونده به يك دادگاه آمریکایی دیگر ارجاع نشد، در حکم تخلف از ماده چهار بود. برای آنکه دکتترین نامناسب بودن مرجع رسیدگی قابل اعمال باشد، لازم است دادگاه بدو نسبت به طرفین احراز صلاحیت نماید. يك نتیجه تبعی لازم این موضوع آن است که جای بحث و تردید نیست که دادگاه عمومی نیویورک نسبت به شاه سابق صلاحیت داشته است. همچنین، در موقعی که شاه در بیمارستانی در نیویورک تحت معالجه قرار داشت، شهر مزبور تنها محل اقامت رسمی شاه بود، زیرا مکزیک، که شاه قبلاً در آنجا اقامت داشت، به مقامات ایالات متحده اطلاع داده بود که به شاه سابق رواید ورود اعطا نخواهد کرد.

۱۸- تعهد روشنی وجود داشت که برای ایران دسترسی به دادگاههای ایالات متحده تأمین شود. این تعهد با تفسیر دادگاههای ایالات متحده از دکتترین نامناسب بودن مرجع رسیدگی قابل ممانعت نبود. نحوه اعمال دکتترین مزبور منجر به رد عملی پرونده هایی شد که ایران کوشش در تعقیب آنها داشت، زیرا پرونده های مزبور به مرجعی شاید مناسب تر ارجاع نشد، حال آنکه فلسفه وجودی دکتترین نامناسب بودن مرجع رسیدگی چنین است. این بدان معنی است که دادگاههای نیویورک تفسیری از اصل مزبور به عمل آوردند که در مقایسه با رویه قضایی موجود در آن زمان تازگی داشت.^{۱۴} برای طرفین احتمالاً روشن بود که پرونده های مطروحه با استناد به دکتترین مزبور رد نخواهد شد، زیرا نتیجه عادی کاربرد دکتترین نامناسب بودن مرجع رسیدگی آن است که رسیدگی به پرونده در دادگاه دیگری ادامه می‌یابد. با استفاده از این گونه استدلال، می‌توان تشخیص داد که نیازی به ذکر این دکتترین در بند ۱۴ ماده چهار وجود نداشت.

^{۱۴} به عنوان مثال، بنگرید به: New York Jurisprudence, Second Ed. Vol. 28 (1997), Courts and Judges, para. 673 and 683.

پرونده شماره الف - ۱۱
هیئت عمومی دیوان
حکم شماره الف - ۱۱ - هیئت عمومی

جمهوری اسلامی ایران،
خواهان،
و
ایالات متحده آمریکا،
خوانده.

نظر موافق و مخالف بنگت برومس

۱- اکثریت تفسیر تحت اللفظی مضیقی در مورد تعهدات ایالات متحده تحت ماده چهار برگزیده که به عقیده من، تفسیر ماده مزبور را در سیاق عبارت و با توجه به موضوع و هدف آن که تسهیل کوششهای ایران به منظور باز پس گرفتن اموال شاه سابق و خویشاوندان وی در ایالات متحده بود، نادیده می‌گیرد. خصوصاً، من معتقدم که ایالات متحده می‌بایست در بازپس گرفتن اموال مزبور به ایران یاری می‌داد. من همچنین با تفسیر دیوان از کلمه "estate" و با نظر تبعی آن مبنی بر اینکه تعهد انسداد و گزارش راجع به دارایی‌های شاه سابق هیچگاه تحقق نیافته، موافق نیستم. مضافاً، من با روش اکثریت در برخورد با تعهدات انسداد و گزارش به طور اعم نیز مخالفم.

۲- من با یافته‌های دیوان در مورد نتیجه گیری در بند ۲۲۸ راجع به بحث مربوط به "ابلاغ شده به عنوان خواننده" و نیز با یافته‌های راجع به اموال فرح دیبا، اشرف و فاطمه پهلوی (منجمله، خوانندگان مشترك با وی) موافقت دارم.